

عوامل مؤثر بر انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی

سید حسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده

مناسبات تجاری ایران و شوروی در دوران پهلوی اول به واسطه سیاست‌های اتخاذ شده از سوی رجال سیاسی و اقتصادی دو کشور، متفاوت از مناسبات تجاری در دوران قاجار دنبال شد. در حالی که روسیه در دوران قاجار پس از تحمیل عهدنامه ترکمانچای، به شریک اول مناسبات تجاری با ایران تبدیل گردید؛ این جایگاه، با سیاست‌گذاری‌های حکومت انقلابی شوروی و حکومت پهلوی اول در حوزه اقتصاد تجاری، از دست رفت و آلمان نازی با انجام دادن معاملات تجاری پایاپای از سال ۱۳۱۴ جایگزین آن شد. نوع مبادلات تجاری پایاپای میان ایران و آلمان ضمن تأمین منافع اقتصادی و تجاری ایران، تداوم آن را به الزامی برای کشور تبدیل کرد. در نتیجه به وجود آمدن این الزام بود که ایران با وجود تمایل شوروی، تمایل خود را برای تحکیم و ادامه مناسبات تجاری با این کشور از دست داد. علی‌رغم وجود این بی‌میلی، ایران در فروردین ۱۳۱۹ قرارداد بازرگانی و بحریمایی را با شوروی منعقد کرد. انعقاد این قرارداد در شرایطی که ایران پیش‌تر تمایلی به آن نداشت این پرسش را مطرح می‌سازد که عوامل مؤثر در انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی چه بوده است؟ مقاله پیش رو با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی، نشریات و کتاب‌های تاریخی، پرسش مذکور را پاسخ داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بروز جنگ جهانی دوم و سیاست محاصره دریایی آلمان توسط متفقین، عامل مؤثری در انعقاد این قرارداد بود. محاصره دریایی آلمان موجب ایجاد کندی و اختلال در مناسبات و مبادلات تجاری دریایی ایران و آلمان طریق دریا شد. در نتیجه این وضعیت ایران ناچار شد تا به منظور دستیابی به راه زمینی مناسب از طریق خاک شوروی، شش ماه پس از آغاز جنگ جهانی دوم و در فروردین ۱۳۱۹، قرارداد بازرگانی و بحریمایی را با این کشور منعقد کند. واژگان کلیدی: ایران، شوروی، اقتصاد، تجارت، قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹.

Factors affecting on contract of Iran and the Soviet Union 1319 trade and sailing contract

Seyed Hassan Shojaee-divkalaee²

Abstract

Iran and the Soviet Union's economic relations during the reign of Pahlavi I, owing to the adopted economic political policies of the two countries was different from those of Ghajar. While Russia by imposition of treaty of Turkmenchay became the first side of commercial relations with Iran, this position with commercial policy of the revolutionary government of the Soviet Union and Pahlavi I lost its significance in 1314 and Nazi Germany was replaced with mutual commercial relations. The type of mutual commercial relations between Iran and Nazi Germany with the security of economic commercial benefits paved the way for an obligation in the continuity of this trend for the country. In spite of unwillingness in Farvardin of 1319, Iran made a contract with the Soviet Union on trade and sailing. Termination of this contract under the condition that Iran was unwilling in advance, arises this question that what were the effective factors in the termination of the contract on sailing and trade between Iran and the Soviet Union in 1319? This question in the article was surveyed according to historical research by using archive documents, journals and historical books. The finding of this research shows that World War II and marine siege of Germany by the allies were the effective factors in the termination of this contract. Marine siege of Germany paved the way for disorder and problems in commercial relations of Iran and Germany through the sea. Under this circumstance, in order to reach land way, Iran had to terminate a contract with the Soviet Union on trade and sailing in Farvardin of 1319, six month before World War II.

Key words: Iran, Soviet Union, economy, trade, trade and sailing contract.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران. * تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۵/۲۰ * تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۸/۱۵
2. Assistant Professor, Department of History University of Mazandaran. Email: H.shojaee@umz.ac.ir

۱- مقدمه

روابط تجاری و اقتصادی ایران و روسیه در دوران قاجار تحت تأثیر تحمیل‌های اقتصادی ناشی از عهدنامه ترکمانچای، با تسلط و برتری اقتصادی و تجاری روسیه بر ایران همراه بود. تقریباً در تمامی دوران حکومت قاجار از جنگ‌های ایران با روس تا جنگ جهانی اول، روسیه با برخورداری از امتیازهایی که از معاهده ترکمانچای به دست آورده بود و همچنین با استفاده از اهرم‌های سیاسی و نظامی توانست با افزایش واردات خود، به شریک اول مناسبات تجاری با ایران در شرایط نابرابر تبدیل گردد. در سایه به وجود آمدن چنین شرایطی بود که کالاهای روسی در بازارهای ایران از شمال تا جنوب کشور حتی در شرایطی که مناطق جنوبی کشور تحت نفوذ انگلستان بود، عرضه می‌گردید. اما شرایط حاکم بر مناسبات تجاری ایران و روسیه پس از جنگ جهانی اول دچار تغییر شد. این تغییر، محصول تحولاتی بود که پس از جنگ جهانی اول در دو کشور آغاز شد. در روسیه جنگ جهانی اول با انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ همراه بود؛ انقلابی که برون‌داد آن تغییر رژیم تزاری و متعاقباً تغییر تمامی سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه در حوزه سیاست و اقتصاد ایران بود. همچنین جنگ جهانی اول در ایران روند تضعیف حکومت قاجار را که پس از انقلاب مشروطه آغاز شده بود، تشدید کرد که نتیجه نهایی آن سقوط حکومت قاجار و استقرار حکومت پهلوی اول بود.

تغییر رژیم‌های سیاسی در ایران و روسیه که با تغییر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های دو کشور در حوزه اقتصاد همراه بود تأثیر زیادی در نوع قاجاری مناسبات اقتصادی و تجاری میان دو کشور به دنبال داشت. تصمیم حکومت انقلابی روسیه در ملی کردن تجارت خارجی، نخستین گام در تغییر نوع مناسبات تجاری میان ایران و شوروی بود. گام‌های بعدی توسط حکومت پهلوی با تصویب قانون تعرفه‌های گمرکی و اجازه انعقاد قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجی برداشته شد. تصویب چنین قوانینی موجب کاهش حجم مبادلات تجاری میان دو کشور گردید.

در چنین شرایطی اگرچه تلاش‌هایی برای بهبود مناسبات تجاری مانند انعقاد قرارداد تجاری سال ۱۳۰۶ میان دو کشور صورت گرفت، اما اقدام‌هایی که در راستای گسترش مناسبات تجاری میان دو کشور انجام شد، در نتیجه پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹م و همچنین تصمیم حکومت پهلوی برای انحصاری کردن تجارت خارجی در اسفند ۱۳۰۹، ناموفق بود. نتیجه این وضعیت، از دست رفتن موقعیت اقتصادی شوروی به عنوان طرف اول مناسبات تجاری با ایران بود.

انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی در شرایطی که شوروی جایگاه خود را در اقتصاد و مناسبات تجاری با ایران از دست داده بود، این پرسش را به عنوان پرسش

اصلی مقاله مطرح می‌سازد که «عوامل مؤثر در انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی چه بوده است؟» برای پاسخ به این پرسش، مقاله پیش رو در صدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی و همچنین نشریات دوره‌زمانی مورد بحث و کتاب‌های تاریخی، به بررسی عوامل مؤثر در انعقاد این قرارداد به‌عنوان هدف اصلی این پژوهش بپردازد.

پیش از پرداختن به این هدف، اشاره به این نکته ضروری است که موضوع مورد پژوهش این مقاله فاقد پیشینه تحقیق است. مهم‌ترین اثر در حوزه مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران و شوروی در عصر پهلوی اول، که با عنوان روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه توسط محمود طاهر احمدی به رشته تحریر درآمده و توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده، در بخش مناسبات اقتصادی ایران و شوروی، بدون تشریح مفاد و عوامل مؤثر بر انعقاد قرارداد مذکور، تنها به انعقاد آن اشاره کرده است. با توجه به چنین پیشینه‌ای، انجام دادن این پژوهش به واسطه نبودن آن حائز اهمیت است و نخستین گام در راستای تحقق این مهم بررسی جایگاه شوروی در مناسبات تجاری ایران پیش از انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی سال ۱۳۱۹ با ایران است.

۲- جایگاه شوروی در مناسبات تجاری ایران پیش از انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹

روابط تجاری ایران و روسیه پس از جنگ‌های ایران و روس و با تعیین عوارض گمرکی ۵٪ برای واردات کالاهای روسی به ایران بر اساس ماده سوم عهدنامه تجاری ترکمانچای،^۳ وارد مرحله جدیدی شد. از این زمان تا جنگ جهانی اول، روسیه با استفاده از امتیازات گمرکی ناشی از عهدنامه ترکمانچای و به‌کارگیری سیاست دامپینگ،^۴ ضمن افزایش حجم واردات خود، به طرف اول مناسبات تجاری با ایران تبدیل شد.^۵

وقوع انقلاب روسیه و اتخاذ سیاست‌های انقلابی در حوزه اقتصاد توسط رژیم انقلابی، مناسبات

۳. فاطمه قاضیها، *اسنادی از روند اجرایی معاهدی ترکمانچای ۱۲۵۰-۱۲۴۵* ق (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران،

۱۳۷۴)، ص ۲۵۲

۴. سیاست دامپینگ عبارت است از فروش یا صادرات یک کالا با قیمت کمتر از هزینه‌های تمام‌شده یا به عبارتی دیگر فروش کالا در خارج به قیمتی کمتر از قیمت داخلی. هدف از اجرای این سیاست حذف رقبا و در اختیارگرفتن بازار است. برای مطالعه بیشتر رک: احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران* (تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۶۰-۶۳.

۵. چالز عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص ۲۲۰.

تجاری ایران و روسیه را وارد مرحله تازه‌ای کرد. سیاست حکومت انقلابی روسیه در ملی کردن تجارت خارجی از سال (۱۲۹۹ش/۱۹۲۱م)^۶ موجد محدودیت‌های فراوان برای تجار ایرانی علی‌الخصوص تجار مناطق شمالی کشور شد. ایجاد محدودیت برای تجار ایرانی از سوی حکومت روسیه در پی تصمیم حکومت این کشور برای بستن مرزهای خود به روی کالاهای وارداتی کشورهای همسایه از جمله ایران، با هدف حفظ ارزش پول روسیه در بهمن ۱۳۰۴^۷ به ایجاد بن‌بست و توقف تجارت شمال ایران انجامید.

در پی ایجاد چنین بن‌بستی تجار و اصناف مناطق شمالی کشور از حکومت پهلوی درخواست کردند تا از طریق مذاکره با حکومت روسیه به رفع مشکلات و محدودیت‌های ایجادشده بپردازد.^۸ پس از ناکامی حکومت در انجام‌دادن این کار بود که تجار و اصناف در مناطقی شمالی کشور مانند گیلان،^۹ قزوین،^{۱۰} تبریز^{۱۱} و تهران^{۱۲} دست به تأسیس جمعیتی به نام نهضت مقاومت اقتصادی علیه تجارت روسیه زدند. هدف اعضای این نهضت ایجاد ممانعت برای ورود اشیای تجملی روسیه به ایران و ترک معامله با تجار و تجارخانه‌های روسی تا زمان رفع محدودیت‌های ایجادشده توسط حکومت روسیه بود.^{۱۳}

مشکلات تجاری ایجادشده از جانب روسیه اگرچه پس از انعقاد قرارداد تجاری میان ایران و روسیه در مهر ۱۳۰۶ تا حدودی برطرف شد،^{۱۴} اما اتخاذ برخی سیاست‌ها در حوزه اقتصاد تجاری توسط حکومت پهلوی اول موجب شد تا نوع مناسبات و مبادلات ایران و شوروی به مانند دوران قاجار ادامه پیدا نکند. یکی از این سیاست‌ها تصویب قانون تعرفه‌های گمرکی و اجازه انعقاد قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجی در اردیبهشت ۱۳۰۷ بود.^{۱۵} این قانون ضمن الغای

۶. پاتریس توشار و دیگران، قرن زیاده‌روی‌ها، ترجمه عباس صفریان (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴)، ص ۹۹۵.

۷. محمود طاهر احمدی، روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴)، ص ۷۹-۸۰.

۸. سهیلا ترابی فارسانی، از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران (تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای

اسلامی، ۱۳۹۲)، ص ۱۳۱-۱۳۰.

۹. روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵، ش ۹، ص ۷.

۱۰. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳۵۴۹۴، شناسه بازبایی ۱۲/۱/۸۳۱۴۰، ص ۹.

۱۱. روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان سال ۱۳۴۵، ش ۱۵-۱۴، ص ۲۸-۲۹.

۱۲. روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۵، ش ۲۲-۲۱، ص ۲۷.

۱۳. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳۵۴۹۴، شناسه بازبایی ۱۲/۱/۸۳۱۴۰، ص ۹.

۱۴. طاهر احمدی، ص ۱۰۳.

۱۵. رک: سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۷۵۰۲۰، شناسه بازبایی، ۱۲/۱/۷۵۰۲۰، ص ۱.

رژیم کاپیتولاسیون و اعطای حقوق دول کامله‌الوداد به دولت‌های خارجی، به انعقاد قراردادهای گمرکی جداگانه جدید با کشورهای طرف تجاری ایران از جمله شوروی منجر شد.^{۱۶} همچنین تصویب قانون انحصار تجارت خارجی^{۱۷} و متمم^{۱۸} آن در اسفند ۱۳۰۹، نقش مهمی در تغییر نوع مناسبات تجاری دوره قاجاری ایران و شوروی داشت و موجب ایجاد دوره‌ای جدید در مناسبات تجاری میان دو کشور گردید.

تصویب قانون تعرفه‌های گمرکی و اجازه انعقاد قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجی و همچنین قانون انحصار تجارت خارجی، موجب شد تا حکومت پهلوی قراردادهای دوجانبه‌ای را با کشورهای مختلف در دو شکل منعقد کند. شکل اول، قراردادهای مبادله تجاری پایاپای بود. با برخی از کشورها مانند آلمان در سال ۱۳۱۴^{۱۹} و سوئیس در سال ۱۳۱۶^{۲۰} قراردادهای مبادله تجاری پایاپای به امضا رسید. شکل دوم قراردادها، عهدنامه‌های اقامت و تجارت و دریانوردی بود؛ چنین عهدنامه‌ای با یونان در سال ۱۳۱۰^{۲۱} و با دانمارک در سال ۱۳۱۳^{۲۲} منعقد شد. در سال ۱۳۱۱ مشابه چنین قراردادی هم با شوروی تحت عنوان قرارداد اقامت و تجارت و بحریمایی به امضا رسید.^{۲۳} این قرارداد در سال ۱۳۱۴ با عنوان عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی با شوروی تمدید شد.^{۲۴} مدت عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی سال ۱۳۱۴ ایران و شوروی همانند قرارداد سال ۱۳۱۱ سه ساله بود.

پیش از انقضای مدت قرارداد، چرنیخ، سفیر وقت شوروی در ایران، علاقه‌مندی حکومت شوروی را برای استمرار قرارداد به اطلاع مسئولان وزارت بازرگانی ایران رساند. ایران هم در راستای این پیشنهاد اگرچه هیئتی را برای مذاکره به مسکو اعزام کرد؛^{۲۵} اما اختلاف میان ایران و شوروی در خصوص تفسیر ماده دهم عهدنامه سال ۱۳۱۴ که در خصوص تعیین مقدار کالاهای مبادلاتی میان

۱۶. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۱۶۹۸۷/۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۶۸۴۶، ص ۶۹.

۱۷. رک: سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۹۸/۲۹۳/۷۳۸۳، بدون شناسه بازیابی، ص ۳-۵.

۱۸. رک: سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۴۰/۳۹۴۹، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۳۹۴۴، ص ۱۸-۳.

۱۹. رک: سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۱۳/۱/۱۳۰۴، ص ۵-۶.

۲۰. رک: سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۸۱۵۹، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۸۱۴۹، ص ۱۴-۱.

۲۱. رک: سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۲۸۶۲، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۲۸۶۲، ص ۵-۱.

۲۲. رک: سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۲۷۹۷، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۲۷۹۷، ص ۲۰-۱.

۲۳. رک: سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۹۴۸۵، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۴۸۵، ص ۲-۱.

۲۴. رک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۹۶۵۹، شناسه سند ۱۳/۱/۹۶۴۸، ص ۳۸-۳.

۲۵. سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰/۹۰۳۹، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۰۲۹، ص ۲.

دو کشور بود، مانع از تمدید قرارداد پیش از انقضای مدت زمان آن در مهر ۱۳۱۷ شد.^{۲۶} در بند یکم ماده دهم عهدنامه مقرر شده بود تا ایران مقدار پنبه، پشم و پوستی را که به شوروی می‌فروشد هر ساله ده تا پانزده درصد افزایش دهد.^{۲۷} اما ایران معتقد به گنجاندن این بند در قرارداد جدید نبود و حتی تمایلی هم به صادرات پنبه، پشم و پوست به شوروی به میزان سال ۱۳۱۶ نداشت.^{۲۸} عدم پذیرش شرط ایران در خصوص الزامات ماده ده عهدنامه سال ۱۳۱۴ موجب تمدید نشدن قرارداد پس از پایان مدت زمان قانونی سه ساله آن در مهر سال ۱۳۱۷ شد.

در خصوص چرایی تمایل نداشتن ایران به افزایش میزان صادرات پنبه، پشم و پوست به شوروی، باید عنوان کرد که این بی‌تمایلی، ناشی از تحکیم مناسبات تجاری و مبادلاتی میان ایران و آلمان نازی بود. نیاز ایران به صدور مواد اولیه و کسب درآمد از محل صدور این مواد برای تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست صنعتی‌سازی و نیاز آلمان نازی برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود مخصوصاً صنایع نظامی این کشور^{۲۹} به منظور نائل شدن به هدف تأمین فضای حیاتی به‌عنوان شعار اصلی سیاسی - اقتصادی هیتلر و حزب نازی،^{۳۰} موجب شد تا ایران و آلمان در صدد برقراری مبادلات تجاری پایاپای از طریق انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری برآیند. براساس این نیازهای متقابل بود که نخستین گام برای برقراری مناسبات اقتصادی از سوی آلمان از جانب روزنبرگ، رئیس دفتر امور سیاست خارجی حزب نازی، برداشته شد و دفتر وی با همکاری چند شرکت آلمانی به اقداماتی برای گسترش روابط تجاری با ایران دست زد.^{۳۱}

در پی این اقدام، سفارت ایران در برلین مأمور بررسی این موضوع و چگونگی برقراری و گسترش روابط اقتصادی با آلمان شد. حاصل این بررسی ارائه گزارشی در تیر ۱۳۱۴ از سوی سفارت ایران به وزارت امور خارجه مبنی بر اعلام آمادگی آلمان برای برقراری مبادلات تجاری پایاپای و شرایط آلمان در خصوص نحوه این مبادلات بود.^{۳۲} پس از این گزارش دولت ایران هیئتی را برای

۲۶. طاهر احمدی، ص ۱۳۵-۱۳۴.

۲۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۹۶۵۹، شناسه سند ۱۳/۱/۹۶۴۸، ص ۶.

۲۸. طاهر احمدی، ص ۱۳۵.

۲۹. شپهر کلاف، توماس مودی و کارل مودی، *تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم*، ترجمه محمد حسین وقار (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۸)، ص ۱۲۰.

۳۰. موریس داب، *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه داری*. ترجمه حبیب الله تیموری (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹)، ص ۳۷۸.

۳۱. فاطمه پیرا، *روابط سیاسی - اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹)، ص ۲۴۹.

۳۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۹۱۸۳، محل در آرشیو ۲۰۲۰ آب ۱، ص ۱۴۰.

مذاکره به آلمان اعزام کرد. نتیجه مذاکرات اینهیئت با طرف آلمانیان انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری در آبان ۱۳۱۴ بود.^{۳۳} دکتر شاخت در جریان مذاکرات اولیه به هیئت ایرانی اعلام کرد: «آلمان مایل است خرید مواد خام خود را که سابقاً از بازارهای آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی تهیه می‌کرد ترک کرده در سایر نقاط دیگر بازار جدید پیدا کند. به این واسطه موقع مناسبی برای ایران که دارای مواد اولیه است، پیدا شده که تجارت خود را با آلمان توسعه دهد.»^{۳۴} وی همچنین افزود که تحقق این امر ایران را از صدور کالاهای خود به روسیه تا حدود زیادی بی‌نیاز می‌سازد و ایران دیگر مجبور نیست که کالاهایش را به هر قیمتی که شوروی‌ها تعیین می‌کنند، بفروشد.^{۳۵}

پس از انعقاد این قرارداد حضور هیئت ایرانی در آلمان به منظور توسعه و تحکیم روابط تجاری چند ماه دیگر ادامه پیدا کرد. انعقاد پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان در بهمن ۱۳۱۴ نتیجه فعالیت‌های اعضای این هیئت بود.^{۳۶} ماده اول این پروتکل اجازه می‌داد اجناس آلمانی طبق صورت رسمی سهمیه آزاد وارد ایران شود. در مقابل و بر اساس ماده دوم پروتکل، دولت آلمان به صورت نامحدود اجازه داد برخی از اجناس ایرانی که عمدتاً مواد اولیه کشاورزی و دامی بودند به آلمان وارد شود. این اجناس عبارت بودند از: قالی، گردو، خشکبار، گندم، جو، ارزن، برنج، پنبه خام، پشم خام گوسفند، کرک شتر به صورت خام و جوشیده، موی بز به صورت خام و جوشیده، پيله ابریشم، پوست و چرم خام، پوستخام، روده گوسفند، مستخرجات حیوانات، و فضولات ابریشم.^{۳۷}

درخواست آلمان برای واردات مواد اولیه از ایران در پروتکل‌های مبادلات محرمانه در سال‌های بعد مخصوصاً پروتکل‌های محرمانه مبادلات تجاری سال‌های ۱۳۱۷^{۳۸} و ۱۳۱۸^{۳۹} افزایش یافت. علاوه بر حکومت آلمان شرکت‌های تجاری و صنعتی آلمان هم در راستای سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی در صدد برآمدند تا برای تهیه مواد اولیه، قراردادهای جداگانه با دولت ایران و شرکت‌های ایرانی منعقد کنند. به عنوان مثال شرکت فروشتال آلمان در اول آذر ۱۳۱۸ طی قراردادی از وزارت

۳۳. رک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۰۶۸۷، محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ ب ۱، ص ۱۱۶-۱۱۴.

۳۴. همان، ص ۱۲۹.

۳۵. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶ (تهران: علمی، ۱۳۷۴)، ص ۲۴۹.

۳۶. رک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۱۳ آ ۱، ص ۵.

۳۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۱۳ آ ۱، ص ۶-۵.

۳۸. رک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۲، محل در آرشیو ۷۰۳ ع ۱۳ آ ۱، ص ۹-۷.

۳۹. رک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۱۴۸، محل در آرشیو ۱۰۹ ث ۴ ب ۱، ص ۱-۵.

دارایی ایران اجازه یافت تا حدود ۴۳۱۰ تن پشم به ارزش هفت میلیون و ششصد هزار مارک از تجار ایرانی خریداری کند.^{۴۰}

همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد تمایل ایران به برقراری مبادلات تجاری با آلمان با هدف تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست صنعتی‌سازی صورت می‌گرفت. بر این اساس نخستین هدف ایران، فروش مواد اولیه به آلمان بود و اصولاً هیئت مذاکره‌کننده ایرانی با چنین هدفی به برلین اعزام شد و بعدها در جریان مذاکرات بود که از جانب رضاشاه دستور یافت تا با صاحبان صنایع آلمان برای تأمین نیازمندی‌های صنعتی ایران مذاکره کند.^{۴۱} پس از صدور این فرمان، هیئت مذاکره‌کننده ایرانی با کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های بزرگ صنعتی آلمان به رهبری شرکت فروشتال قراردادی به مبلغ هشتاد میلیون مارک به منظور تأمین نیازمندی‌های صنعتی ایران منعقد کرد. در این قرارداد که در فروردین ۱۳۱۵ به امضا رسید، کنسرسیوم شرکت‌های آلمانی از طرف وزارت مالیه ایران مأمور شد تا در مدت چهار سال ۸۰ میلیون مارک کارخانجات کامل، ماشین و اسباب و ادوات برای مقاصد مخصوص، واگن، لوکوموتیو و سایر لوازم راه‌آهن به ایران تحویل دهد و به ازای بهای آن پنبه، روده، پوست، کتیرا و صمغ شیراز، میوه‌جات خشک، فرش، میوه‌جات روغن‌دار، غلات و برنج از ایران دریافت کند.^{۴۲}

در کنار معاملاتی که از طریق کنسرسیوم صورت می‌گرفت، شرکت‌های آلمانی نیز هر یک به‌صورت جداگانه و خارج از چارچوب مبادلات کنسرسیوم در صدد مبادله ماشین‌آلات صنعتی با مواد اولیه ایران برآمدند. به‌عنوان مثال در شهریور ۱۳۱۶ شرکت اشکودا به وزارت جنگ ایران پیشنهاد مبادله کارخانه برنج با کتیرای ایران را ارائه داد.^{۴۳} در قراردادی که میان طرفین منعقد شد مقرر گردید شرکت اشکودا در ازای صدور کارخانه برنج‌پاکنی، ۲۰۴۰ کیلو کتیرا از طریق گمرک بوشهر و ۱۵۹ تخته قالی از گمرک تبریز به آلمان روانه کند.^{۴۴}

در پی انعقاد این قراردادها، آلمان نازی به طرف اول مبادلات تجاری با ایران تبدیل شد. بدین ترتیب ایران از طریق مبادلات تجاری پایاپای، به صادرات مواد اولیه به آلمان و واردات کالاهای مورد نیاز خود از آن، مخصوصاً ماشین‌آلات صنعتی مبادرت می‌کرد. این نوع مبادلات

۴۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۴۱۶/۲۴۰۰، محل در آرشیو ۲۰۲ف/۱۳۴۱، ص ۴۹.

۴۱. عبدالحسین مسعود انصاری، *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان*، ج ۲ (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱)، ص ۳۲۴.

۴۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۵۵۸۰/۲۴۰۰، محل در آرشیو ۶۰۴ع/۱۳۴۱، ص ۱۴-۱۰.

۴۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۰۸۸۷/۲۴۰۰، محل در آرشیو ۲۲۲پ/۱۳۴۱، ص ۱.

۴۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۷۵۹/۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۳۳۱/۱۳۴۱، ص ۴۵ و ۵۶.

تجاری، ایران را تا حدود زیادی از برقراری مبادلات تجاری با کشورهای دیگر بی‌نیاز می‌کرد. در نتیجه همین احساس بی‌نیازی بود که در مجله *اطاق تجارت* پس از انعقاد قراردادهای تصفیه محاسبات تجاری با آلمان مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد ایران و آلمان مکمل یکدیگر می‌باشند» به چاپ رسید.^{۴۵} در سایه برقرار چنین روابطی بود که ایران پس از پایان یافتن مدت سه ساله عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی ۱۳۱۴ با شوروی در مهر ۱۳۱۷، علی‌رغم پیشنهاد شوروی برای تمدید این قرارداد، به مدت هجده ماه از تمدید آن امتناع ورزید. چنین امتناعی، در نتیجه از دست رفتن جایگاه شوروی در مناسبات تجاری با ایران در مقابل تحکیم جایگاه آلمان به‌عنوان طرف اول مبادلات تجاری بود. اما این وضعیت پس از پایان مدت هجده ماهه، در نتیجه به‌وجود آمدن شرایط و تحولاتی جدید در عرصه مناسبات بین‌المللی دچار تغییر شد و ایران به پیگیری مذاکرات تجاری جدید با شوروی متمایل گردید. این شرایط جدید که تأثیر فراوانی در انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی فروردین ۱۳۱۹ ایران و شوروی داشت، جنگ جهانی دوم بود که در ادامه بررسی خواهد شد.

۳- تأثیر جنگ جهانی دوم در انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی

قرارداد بازرگانی و بحریمایی ایران و شوروی در حالی در فروردین ۱۳۱۹ به امضا رسید که شش ماه پیش از آن در شهریور ۱۳۱۸ جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان آغاز شده بود. جنگ جهانی دوم در شرایطی آغاز شد که از همان ماه‌های ابتدایی وقوع آن، محاصره اقتصادی دشمن، یکی از سیاست‌های و استراتژی‌های نظامی طرف‌های درگیر جنگ بود که به‌صورت جدی از طریق محاصره دریایی صورت می‌گرفت. بر این اساس محاصره دریایی به‌عنوان یک استراتژی نظامی با هدف ممانعت از دستیابی دشمن به کالاهای حیاتی، به اجرا گذاشته می‌شد.^{۴۶} محاصره دریایی این امکان را برای طرف‌های متخاصم فراهم می‌کرد تا در صورت برخورداری از ناوگان دریایی کارآمد، ضربه‌های اقتصادی و نظامی سنگینی بر طرف مقابل وارد کنند. در راستای تحقق این هدف، کابینه انگلستان در نوامبر ۱۹۴۰ طرح محاصره دریایی آلمان را به تصویب رساند.^{۴۷} اجرای

۴۵. مجله *اطاق تجارت*، سال هفتم، شماره ۱۴۰، پانزده دوم مرداد ۱۳۱۵، ص ۳-۴.

۴۶. جان گرنویل، *تاریخ جهان در قرن بیستم*، ترجمه جمشید شیرازی و دیگران (تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۷)،

ص ۴۵۱.

۴۷. ژاک پیرن، *جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر*. ترجمه رضا مشایخی، ج ۲ (تهران: کتابخانه ابن‌سینا، بی‌تا)، ص ۶۲۲.

این استراتژی با توجه به برتری قدرت دریایی انگلستان، موجب کندی و یا قطع ارتباط آلمان با طرف‌های تجاری‌اش می‌شد. در چنین شرایطی بود که سرنوشت ایران از همان ماه‌های آغازین جنگ، تحت تأثیر تحولات جنگ قرار گرفت. در ماه‌های ابتدایی جنگ این تأثیرها بیشتر اقتصادی بود؛ زیرا آلمان به‌عنوان اصلی‌ترین خریدار مواد اولیه و عمده‌ترین کشور مشارکت‌کننده در احداث طرح‌های صنعتی، بزرگ‌ترین شریک مبادلاتی و تجاری ایران بود.

محاصره دریایی آلمان مشکلات فراوانی در برقراری ارتباط تجاری میان ایران و آلمان ایجاد کرد. کالاهای و ماشین‌آلاتی که ایران از آلمان خریداری می‌کرد بر پایه قرارداد به دو صورت خریداری و به ایران تحویل می‌شد. اول کالاهایی که سیف بنادر ایران خریداری و تحویل می‌شد. در قرارداد خرید این کالاها از آلمان، نحوه حمل و تحویل کالا به عهده آلمانی‌ها بود و کالاهای خریداری‌شده می‌بایست از هر طریقی که بر عهده فروشنده بود، در بنادر ایران تحویل می‌شد. دوم کالاها و ماشین‌آلاتی که در کارخانه‌های سازنده خریداری می‌شد و حمل آن به عهده اداره باربری خشکی و دریایی ایران بود.^{۴۸} محاصره دریایی آلمان واردات کالا و ماشین‌آلات را از هر دو طریق با مشکل مواجه می‌کرد.

مشکلات ناشی از محاصره دریایی آلمان در حالی صورت می‌گرفت که اقتصاد ایران در بخش‌های صنعت، تجارت و کشاورزی به تداوم روابط خود با آلمان نیازمند بود. در بخش صنعت، آلمانی‌بودن بخش اعظم صنایع ایران^{۴۹} از یک سو و قراردادهای عمده واردات ماشین‌آلات و کارخانه‌های صنعتی ایران با آلمان از سوی دیگر موجب می‌شد تا کندی در برقراری رابطه میان ایران و آلمان مشکلات متعددی برای صنایع نوپای ایران به‌وجود آورد.

قطع جریان واردات لوازم یدکی مورد نیاز صنایع و کارخانه‌ها یکی از این مشکلات بود. لوازم یدکی کارخانه نساجی بهشهر که از شرکت اونیون ماتکس آلمان خریداری شده بود و توسط شرکت حمل و نقل باومان با یک کشتی آلمانی به ایران حمل می‌شد، به علت جنگ به ایران نرسید؛ زیرا کشتی حامل آن ناچار شد به آلمان بازگردد.^{۵۰} همچنین موتور دیزل و بلبرینگ کارخانه قند کرج که از شرکت چسکاموروسکا^{۵۱} چکسلواکی (کشور تحت اشغال آلمان) خریداری شده بود تحت شرایط

۴۸. اداره آرشیو اسناد و وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پرونده ۱۸، ص ۱.

۴۹. رک: آمار صنایع ایران در دوره پهلوی اول: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۳۶-۲۴۰۰۰۱، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵۵

۱، ص ۷۶-۶۳.

۵۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۹۵-۲۴۰۰۱، محل در آرشیو ۴۰۲-۱۳۳، ص ۳۰.

ناشی از جنگ به ایران ارسال نشد.^{۵۲}

قطع جریان واردات کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع، از دیگر مشکلات ایجاد شده در نتیجه جنگ جهانی و محاصره دریایی بود. کارخانه‌های اختصاصی وزارت پیشه و هنر برای مصارف خود مقداری رنگ شیمیایی از شرکت شیمیایی بال سوییس خریداری کردند. کشتی ایتالیایی حامل این رنگ‌ها در شهریور ۱۳۱۹ پس از رسیدن به هندوستان به آن کشور پناهنده شد.^{۵۳} همچنین کارخانه چرم خسروی تبریز هم در نتیجه مشکلات مبادلاتی به وجود آمده از جنگ، نتوانست مواد واسطه‌ای مورد نیاز کارخانه خود مانند خام از هندوستان و عصاره دباغی از آرژانتین را به ایران وارد کند.^{۵۴} افزایش قیمت مواد مصرفی و ماشین‌آلات وارداتی کارخانه‌ها در شرایط جنگی، از دیگر مشکلاتی بود که جنگ جهانی و محاصره دریایی ایجاد کرد. اداره مرکزی کارخانه‌های قند کشور هم که در سال ۱۳۲۰ به واسطه تجارت‌خانه عظیمی در صدد خرید مقداری آجر نسوز برای کارخانه‌های قند از انگلستان برآمده بود، با افزایش قیمت آجر نسوز توسط شرکت‌های انگلیسی مواجه شد. قرارداد خرید این آجرها در اسفند ۱۳۱۷ به امضا رسید. در قرارداد، مقرر شده بود آجرهای نسوز ظرف ۲۶ هفته به ایران تحویل داده شود؛ اما کارخانه انگلیسی فروشنده به علت بروز جنگ مبلغی بر قرارداد تحت عنوان سور شارژ جنگ، اضافه کرد. مذاکره بر سر پرداختن یا نپرداختن این مبلغ دست‌کم تا ۱۳ مهر ۱۳۲۰ ادامه داشت.^{۵۵} علاوه بر این، اداره کارخانجات وزارت دارایی پیش از شروع جنگ جهانی، جهت خرید لوازم یدکی کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی با شرکت ویلی شنل آلمان بر سر قیمت لوازم یدکی و تحویل آنها در بنادر ایران به توافق شفاهی رسید. اما این شرکت هنگام امضای قرارداد که هم‌زمان با شروع جنگ بود، بر قیمت توافق شده افزود و همچنین از تعهد تحویل لوازم در بنادر ایران نیز خودداری کرد.^{۵۶}

قطع جریان ورود ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع و کارخانه‌ها نیز از دیگر مشکلات به وجود آمده در نتیجه جنگ جهانی و محاصره دریایی بود. ماشین‌آلات کارخانه برنج‌پاک‌کنی شرکت سهامی

۵۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۹۷۵۲، محل در آرشیو ۷۰۴ب۱، ص ۱۵-۱. همچنین رک: مرکز اسناد و

تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۵۲، پرونده ۵۴، ص ۴۹.

۵۳. اداره آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۵۳، پرونده ۱۷، ص ۴۷.

۵۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۳۷۸۴۶، محل در آرشیو ۴۰۲ب۱، ص ۴.

۵۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۱۸۴۹، محل در آرشیو ۴۲۰ب۱، ص ۶۸.

۵۶. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۸۶۰۲، محل در آرشیو ۶۰۱ب۱، ص ۵۰.

برنج در مهر ۱۳۱۸ در نتیجه بروز جنگ به ایران نرسید.^{۵۷} ماشین آلات کارخانه قند مرودشت هم که از آلمان خریداری شده بود هنگام حمل به ایران با کشتی در سواحل آفریقا توسط متفقین توقیف شد.^{۵۸} علاوه بر این، تأسیس کارخانه‌های ذوب آهن کرج بر اساس قراردادی که در سال ۱۳۱۶ با کمپانی دماک^{۵۹} آلمان منعقد شده بود، در نتیجه شرایط جنگی محقق نگردید. این کمپانی متعهد بود تا سال ۱۳۲۰ کارخانه را در کرج تأسیس کند؛ اما به واسطه بروز جنگ، راه‌اندازی این کارخانه به زمستان سال ۱۳۲۲ موکول گردید.^{۶۰} همچنین ماشین آلات و سیم نقاله مربوط به معادن زغال سنگ شمشک روته، لالون و دره جاجرود تا لار، به دلیل مشکلات به وجود آمده در نتیجه جنگ به ایران نرسید. این ماشین آلات قرار بود توسط شرکت فروشتال^{۶۱} آلمان و بر اساس قرارداد سال ۱۳۱۵ با این شرکت به ایران ارسال شود که جنگ جهانی مانع از تحویل آن شد.^{۶۲} بدین ترتیب در نتیجه بروز جنگ و محاصره دریایی آلمان، در روند تأسیس، تجهیز، تعمیر و نگهداری صنایع ایران کندی و اختلال به وجود آمد که این مشکل می‌بایست با اتخاذ تدابیری از جانب حکومت برطرف می‌شد.

جنگ جهانی و محاصره دریایی آلمان تنها به ایجاد مشکل و اختلال در روند واردات ایران از آلمان محدود نگردید. در نتیجه محاصره دریایی آلمان توسط نیروهای متفقین، در روند صادرات ایران به آلمان در چارچوب مناسبات تجاری پایاپای نیز اختلال ایجاد شد. ایجاد چنین مشکلی از همان ماه‌های ابتدایی وقوع جنگ، گریبانگیر اقتصاد ایران شد. به عنوان مثال بر اساس گزارش وزارت بازرگانی به وزارت امور خارجه در ۸ مهر ۱۳۱۸ حدود ۴۹ عدل مغز بادام و مغز هسته شیرین که متعلق به شرکت سهامی خشکبار میهن بود و از بوشهر توسط تجارتخانه نصرتیان به هامبورگ آلمان حمل می‌شد، توسط انگلیسی‌ها توقیف گردید.^{۶۳} همچنین بر اساس گزارش وزارت بازرگان یدر ۲۲ بهمن ۱۳۱۸ حدود ۲۵ صندوق روده متعلق به شرکت‌های سهامی غرب تهران و سیگاریان تبریز که به آلمان حمل می‌شد توسط فرانسوی‌های توقیف گردید. این محموله ابتدا توسط کشتی تینوس آلمانی حمل می‌شد که در نتیجه شرایط جنگی

۵۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۷۱۸-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۱ک۴۱۳، ص ۱۵.

۵۸. علی زاهدی. صنایع ایران پس از جنگ (تهران: بی‌نا، ۱۳۲۳)، ص ۱۱۳.

59. Dmak

۶۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۹۲۳-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۳د۳۸۰۳ب، ص ۱۵.

61. Ferrostaal

۶۲. علی زاهدی، لزوم پروگرام صنعتی (تهران: بی‌نا، ۱۳۴۲)، ص ۱۶۰.

۶۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۵ و ۳۹.

به بندر والنسیای اسپانیا پناهنده شد. به وجود آمدن این وضعیت موجب شد تا شرکت سیگاریان محموله را با یک کشتی ایتالیایی به عنوان کشور بی طرف در جنگ^{۶۴} به آلمان ارسال کند که کشتی ایتالیایی توسط فرانسوی ها توقیف و محموله روده آن به بهانه آلمانی بودن مصادره و به بندر مارسی فرانسه حمل شد.^{۶۵}

به وجود آمدن چنین مشکلاتی در زمینه مبادلات تجاری در عرصه بین المللی، مخصوصاً ایجاد کندی و اختلال در مبادلات تجاری با آلمان، ضرورت اتخاذ تدابیر جدید برای رفع این مشکل را از جانب حکومت الزامی کرد. اتخاذ هر تصمیمی در این راستا می بایست به سبب الزام ایران به تداوم مبادلات تجاری با آلمان در چارچوب قرارداد تصفیه محاسبات تجاری و پروتکل های محرمانه مبادلات تجاری، معطوف به پیدا کردن راه حلی برای برون رفت از بن بست مبادلات تجاری با آن کشور باشد. بر پایه چنین ضرورتی ایران به ناچار می باسیت به دنبال پیدا کردن راه های جدید مبادلاتی با آلمان برای انجام دادن مبادلات تجاری با این کشور باشد. تأثیر ضرورت ایجاد این راه جدید مبادلاتی با آلمان که به انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی منجر شد در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۴- تأثیر ضرورت ایجاد راه جدید مبادلاتی با آلمان در انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی

مشکلات، کندی و اختلال های ایجاد شده در مبادلات تجاری پایایی ایران با آلمان موجب شد تا ایران به دنبال راه حلی برای رهایی از این مشکلات برآید. نخستین اقدام برای رفع مشکلات، اعزام هیئتی نظامی به شهر برن به دستور رضاشاه در نخستین ماه از آغاز جنگ در مهر ۱۳۱۸ بود. این هیئت مأموریت داشت تا پیگیر وصول سفارش های صنعتی ایران از کارخانه ها و شرکت های آلمانی و سایر کشورهای اروپایی شود. همه وزارتخانه ها و ادارات در راستای همکاری با این هیئت موظف شدند تا فهرست سفارش های خود را با درج اطلاعاتی از قبیل مقدار کالای سفارش شده، محل سفارش، اسم کارخانه، نماینده و عامل در محل

۶۴ ایتالیا علی رغم اعلام رسمی بی طرفی در جنگ بر اساس تصمیم شورای عالی فاشیستی این کشور در اول سپتامبر ۱۹۳۹، تحت تأثیر فشارهای هیتلر بر موسولینی در روز ۱۰ ژوئن ۱۹۴۰ با دستور مستقیم موسولینی علیه فرانسه و انگلستان اعلام جنگ داد و بدین ترتیب ایتالیا در جرگه متحدین و در کنار آلمان علیه متفقین وارد جنگ شد. آلن کسلز، *ایتالیایی فاشیست*، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی (تهران: انتشارات معین، ۱۳۶۹)، ص ۱۶۱

۶۵ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۹۲.

سفارش، به صورت مشروح به وزارت جنگ ارسال کنند تا در اختیار هیئت اعزامی به برن قرار گیرد.^{۶۶}

تلاش‌های هیئت اعزامی مستقر در برن علی‌رغم وعده‌های همکاری متفقین و مخصوصاً انگلستان مبنی بر اجازه ارسال کلیه کالاهای سفارش داده‌شده از آلمان به ایران، موفقیتی با خود به همراه نداشت. روند اداری که متفقین مخصوصاً انگلیسی‌ها برای اجازه صدور حمل کالا میان ایران و آلمان تعیین کرده بودند، در ناموفق ماندن مأموریت این هیئت مؤثر بود. انگلیسی‌ها از ایران خواسته بودند تا نسبت به هر سفارشی که از آلمان تحویل گرفته می‌شود پنج نسخه به زبان انگلیسی تهیه و به لندن ارسال کنند تا از سوی این کشور اجازه حمل آن صادر شود.^{۶۷} مشابه همین گزارش هم باید به پاریس ارسال می‌شد تا فرانسوی‌ها هم که در صدد محاصره دریایی آلمان بودند، با آگاهی از ایرانی بودن کالاهایی که توسط کشتی‌های آلمانی حمل می‌شدند، کشتی و کالاهای آن را توقیف نکنند.^{۶۸}

طی کردن این روند اداری خود به عامل دیگری برای کندی روند مبادلات تجاری میان ایران و آلمان تبدیل شد. به همین دلیل حکومت ایران در صدد برآمد تا به منظور تسریع در این روند به تأسیس کنسولگری در تریست ایتالیا به‌عنوان کشور بی‌طرف در جنگ مبادرت ورزد. تأسیس کنسولگری در تریست با توجه به اهمیت اقتصادی این بندر به منظور استفاده از آن، جهت حمل کالاهای آلمانی در نتیجه پیگیری‌های وزارت امور خارجه صورت گرفت.^{۶۹} کنسول ایران در تریست می‌بایست برگه‌هایی را در خصوص حمل کالاهای خریداری شده از آلمان که توسط متفقین تنظیم شده بود پر می‌کرد. نسخه‌هایی از این برگه‌ها از طریق سفارت ایران در لندن و پاریس در اختیار انگلستان و فرانسه قرار می‌گرفت تا اجازه حمل کالاهای ایرانی را با کشتی صادر کنند.^{۷۰}

علی‌رغم اتخاذ چنین تدابیری و با وجود وعده متفقین مبنی بر همکاری با ایران، حمل کالا مخصوصاً با کشتی‌های آلمانی به ایران با مشکلات و موانع جدی مواجه شد. در نتیجه همین شرایط

۶۶ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۷۱۸-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۴۱۱ ک ۱۳۳، ص ۳.

۶۷ سرریدر بولارد و سرکلارمونت اسکراین، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، ج ۲ (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۳۱.

سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۹۹۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۴۰۱ ق ۱۳۳، ص ۱۰.

۶۸ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۷۳.

۶۹ همان، ص ۷۴.

۷۰ همان، ص ۸۳.

بود که برخی از کشتی‌های آلمانی مانند کشتی آریبا،^{۷۱} فلس واخ،^{۷۲} و تینوس^{۷۳} که کالا به ایران حمل می‌کردند، در نتیجه فشار متفقین ناچار شدند به بنادر کشورهای بی‌طرف پناهنده شوند. در نتیجه چنین وضعیتی حکومت ایران در صدد برآمد تا از کمپانی‌های کشتیرانی کشورهای دیگر برای حمل کالاهای خریداری شده از آلمان استفاده کند. به همین منظور با کمپانی کشتیرانی دانزاس سوئیس،^{۷۴} کمپانی کشتی‌رانی لوید تریستیتنو ایتالیا^{۷۵} و کمپانی کشتی‌رانی دويس ویتومان انگلستان،^{۷۶} در راستای تحقق این مهم مذاکراتی صورت گرفت. در میان این شرکت‌ها اگرچه شرکت‌های کشتیرانی دانزاس^{۷۷} و لوید تریستیتنو^{۷۸} در صدد همکاری با ایران برآمدند اما مشکلات ناشی از جنگ مخصوصاً ضرورت هماهنگی با نیروهای متفقین برای حمل کالا^{۷۹} میان آلمان و ایران و همچنین پیوستن ایتالیا به جنگ در جناح متحدین، تلاش‌های حکومت را در راستای تحقق این مهم با ناکامی مواجه کرد. در چنین شرایطی بود که برقراری مناسبات و مبادلات تجاری با آلمان از طریق دریا با بن‌بست مواجه شد و ضرورت پیدا کردن راه‌های مبادلاتی زمینی به الزامی برای تداوم روابط ایران و آلمان تبدیل شد.

تلاش برای پیدا کردن راه‌های جدید تجاری از همان روزهای آغازین جنگ جهانی در اندیشه دولتمردان ایران وجود داشت. زیرا آنها از همان ابتدای شروع جنگ نگران قطع ارتباط مواصلاتی ایران و آلمان بودند. علی‌رغم وجود این نگرانی، تمایل رجال سیاسی و اقتصادی ایران به حفظ ارتباط اقتصادی و مبادلاتی با آلمان همچنان قوی بود و حتی تشدید جنگ و افزایش مخاصمات نیز در آن تأثیری نمی‌گذاشت. به‌طوری که در ۱۵ شهریور ۱۳۱۹ امیر خسروی، وزیر دارایی ایران، به وزیر مختار آلمان در ایران اعلام کرد در صورتی که بتوان مسائل و مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی و مشکلات ناشی از آن را در زمینه واردات و صادرات حل کرد دولت ایران نه تنها به حفظ

۷۱. علی زاهدی. صنایع ایران پس از جنگ. ص ۱۱۳.

۷۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۵۱.

۷۳. همان، ص ۹۲.

۷۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پروند ۷، ص ۱.

۷۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۱۸.

۷۶. ایران در تلاش بود تا از کشتی‌های این کمپانی برای حمل کالاهایی که کشتی‌های آلمانی حامل آنها به کشورهای بی‌طرف

پناهنده شده بودند، استفاده کند. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۴۷، پرونده شماره ۲، ص ۹.

۷۷. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پروند ۷، ص ۱.

۷۸. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۱۸.

۷۹. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱، ص ۶۳.

روابط بازرگانی خود با آلمان تمایل دارد، بلکه حتی حاضر به توسعه آن است.^{۸۰} تمایل به ادامه مبادلات تجاری با آلمان در شرایطی که محاصره دریایی انگلستان کار مبادلات را دشوار می‌کرد از دو عامل احتیاج و اجبار ایران به ادامه این مبادلات ناشی می‌شد. ایران به این دلیل به ادامه مبادلات با آلمان احتیاج داشت که این کشور بهترین خریدار مواد اولیه کشاورزی و دامی ایران به لحاظ قیمت بود. اجبار به حفظ این رابطه هم به این خاطر بود که آلمان تقریباً تمامی اقلام مواد اولیه ایران را خریداری می‌کرد. این در حالی بود که سایر کشورها به خرید اقلامی خاص از مواد اولیه ایران تمایل داشتند. به همین دلیل قطع روابط مبادلاتی ایران و آلمان، ایران را در فروش مواد اولیه دچار مشکل می‌کرد. چنین ادعایی را می‌توان در استدلال وزارت بازرگانی در مخالفت با پیشنهاد یک تاجر ایرانی به نام درودی مبنی بر فروش کرک بز و پشم شتر به کشورهای ارزی^{۸۱} اثبات کرد. وزارت بازرگانی در نامه‌ای به نخست‌وزیر دلایل مخالفت خود را با این پیشنهاد این‌گونه بیان کرد:

وضعیت فعلی صادرات این دو کالا این است که اگر به کشورهای ارزی صادر شود معادل صدی پنجاه ارز حاصل از فروش آن به صادرکنندگان آن داده می‌شود که بتوانند به وسیله آن کالای خارجی وارد نمایند. و اگر به کشور پایاپای (آلمان) صادر شود، تمام وجه حاصل از فروش آن باید به صندوق پایاپای ریخته شده و با اینکه احتیاجات زیادی که به مواد اولیه دارند آنرا به بهای بیشتری خریداری می‌نمایند. بنابراین عملاً کالاهای مزبور به کشورهای ارزی کمتر صادر می‌شود. و این مسأله اختصاص به موی بز و پشم شتر نداشته بلکه اغلب کالاهای صادراتی ما فعلاً همین وضعیت را پیدا کرده‌اند. لکن راه‌حلی که آقای درودی نسبت به پشم شتر و موی بز پیشنهاد نموده‌اند، عملاً قابل اجرا نیست، زیرا مطابق اصول جاریه و مقررات قرارداد بازرگانی ایران و آلمان نمی‌توان صدور یک یا چند نوع کالا را اختصاصاً به کشور نامبرده ممنوع نمود و اگر صدور کالایی ممنوع یا موقوف به شرایط خاص می‌شود باید نسبت به کلیه کشورهای بیگانه یکسان باشد؛ زیرا در غیر این صورت عنوان تبعیض پیش خواهد آمد.^{۸۲}

در سایه چنین احتیاج و اجباری، حفظ روابط تجاری با آلمان ضروری بود و به واسطه همین ضرورت می‌بایست راه‌های مواصلاتی جدید گشوده می‌شد. در شرایطی که راه دریایی با خطر مواجه شده بود، راه زمینی بهترین و تنها راه برقراری ارتباط بود. برقراری ارتباطی زمینی با آلمان از سه طریق امکان‌پذیر بود. اول از طریق خاک ترکیه، دوم از طریق عراق و راه سوم از طریق خاک

۸۰. همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم (تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۱)، ص ۶۹.

۸۱. منظور از کشورهای ارزی کشورهای بیگانه بودند که به جای شیوه مبادله پایاپای آلمان، حاضر به پرداخت بهای مواد اولیه ایران

از طریق ارزهای رایج بودند.

۸۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۳۷۰۵۸، محل در آرشیو ۸۰۳ ی ب ۲، ص ۹.

شوروی. ترکیه علی‌رغم برخورداری موقعیت مکانی و جغرافیایی مناسب برای برقراری راه تجاری زمینی میان ایران و اروپا، فاقد راه زمینی مناسب و خوب بود. در همین زمینه مجله اطاق تجارت در سال ۱۳۱۵ با اشاره به اهمیت این راه از لحاظ تجاری و اقتصادی در گذشته، از کاسته شدن این اهمیت در نتیجه بی‌توجهی زمامداران ترک به آن، سخن به میان آورد.^{۸۳} راه زمینی عراق هم که مورد توجه رجال سیاسی و اقتصادی ایران بود پس از گزارش سفارت ایران در بغداد در اسفند ۱۳۱۸ مبنی بر عدم امکان استفاده از راه زمینی عراق به دلیل تکمیل نشدن راه آهن بغداد به موصل،^{۸۴} از اولویت خارج شد. اما شرایط شوروی برای استفاده از راه‌های زمینی این کشور برای مبادله کالا با آلمان متفاوت بود. این کشور دارای راه‌های شوسه، راه آهن و بنادر مناسب برای برقراری روابط مبادلاتی ایران با آلمان بود.^{۸۵} با توجه به برخورداری از چنین مزایایی، شوروی به‌عنوان کشور برقرارکننده راه مبادلاتی در اولویت قرار گرفت. تحقق این امر اما به واسطه وجود سوابق اختلاف سیاسی میان ایران و شوروی با مشکلاتی روبه‌رو بود.

برای رفع این مشکلات و تحقق خواسته مذکور، دولت ایران به آلمان پیشنهاد کرد که دو کشور مشترکاً دیپلماسی خود را برای راضی کردن دولت شوروی در خصوص فراهم آوردن تسهیلات ترانزیتی میان ایران و آلمان به کار گیرند. این پیشنهاد ایران به آلمان تحت تأثیر به‌وجود آمدن روابط حسنه میان آلمان و شوروی در سایه انعقاد پیمان عدم تجاوز میان دو کشور صورت می‌گرفت.^{۸۶} آلمان پیشنهاد ایران را پذیرفت و سفیر این کشور در مسکو مأموریت یافت که در ارتباط نزدیک با سفیر ایران در مسکو، او را در ارائه پیشنهادهایی که دولت ایران در نظر داشت تا تسلیم مقامات روسی نماید، پشتیبانی کند. آلمانی‌ها معتقد بودند که همکاری میان ایران و شوروی نه تنها به نفع دو کشور، بلکه به نفع آلمان هم خواهد بود و بر روابط اقتصادی میان ایران و آلمان نیز تأثیر خواهد گذاشت.^{۸۷} این در حالی بود که حکومت شوروی از برقراری این روابط اهداف دیگری را دنبال می‌کرد و در صدد بود تا اصرار ایران و آلمان را وسیله‌ای برای دستیابی به مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در ایران قرار دهد. برای مثال شوروی در جریان مذاکرات، آزادی تمام کمونیست‌های زندانی در ایران و همچنین دریافت حق انحصاری فروش نفت شوروی در مناطق شمالی ایران را

۸۳. مجله اطاق تجارت، س هشتم، شماره ۱۴۷، پانزده اول آذر ۱۳۱۵، ص ۹.

۸۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۵۲، پرونده ۶ ص ۹.

۸۵. الهی، همان. ص ۶۹.

۸۶. رک: پیتر کنز، تاریخ اتحاد شوروی، ترجمه علی مهدیان (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۱۷۹.

۸۷. الهی، ص ۷۰.

به‌عنوان شروط پذیرش انعقاد قرارداد مطرح می‌کرد.^{۸۸} علی‌رغم چنین خواسته‌هایی مذاکره میان ایران و شوروی آغاز شد. نتیجه این مذاکرات انعقاد قرارداد ۱۶ ماده‌ای بازرگانی و بحریمایی (۱۳۱۹ ش / ۱۹۴۰ م) ایران و شوروی بود که مفاد این قرارداد در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- مفاد عهدنامه بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی

از میان مفاد ۱۶ ماده‌ای قرارداد، مفاد پنجم، ششم و هفتم قرارداد،^{۸۹} در خصوص نمایندگی‌های بازرگانی شوروی در ایران بود. ماده نهم قرارداد^{۹۰} هم بر نحوه مبادلات تجاری این کشور با ایران تمرکز داشت. ماده شانزدهم^{۹۱} هم به مدت زمان اعتبار قرارداد و آغاز رسمی اجرای آن اشاره می‌کرد. سایر مفاد این قرارداد حول مسائل مربوط به ایجاد تسهیلات مبادلاتی و ترانزیتی میان دو کشور بود. این مفاد یازده‌گانه که از سوی ایران به‌عنوان راهکاری به منظور تداوم مبادلات تجاری زمینی با آلمان از طریق خاک شوروی نگریسته می‌شد عبارت بودند از:

ماده اول: از محصولات طبیعی و صنعتی که مبدأ آن خاک گمرکی یکی از طرفین معاهدتین باشد در موقع ورود به خاک گمرکی طرف متعاقد دیگر، حداقل حقوق گمرکی و سایر عوارضی که در تعرفه گمرکی و قوانین کشور واردکننده پیش‌بینی شده و یا خواهد شد گرفته می‌شود. ماده دوم: هر یک از طرفین معاهدتین متقبل می‌شود که به طرف متعاقد دیگر، رژیم کامله‌الوداد مطلق را واگذار نماید.

ماده سوم: هر یک از طرفین معاهدتین تقبل می‌نمایند که نسبت به واردات از خاک گمرکی طرف دیگر یا صادرات به خاک گمرکی آن کشور هیچ‌گونه تحدیدات و ممنوعیت‌هایی را که نسبت به عموم کشورهای دیگر معمول نمی‌گردد، مجری ندارند.

ماده چهارم: رژیم کامله‌الوداد مشخص شده در این قرارداد شامل موارد زیر نخواهد شد. ۱- حقوق و مزایای ناشی از اتحاد گمرکی؛ ۲- حقوق و مزایایی که اتحاد شوروی به لتونی، لیتوانی، فنلاند و استونی واگذار کرده و یا خواهد کرد و ۳- تخفیفاتی که هر یک از طرفین معاهدتین برای مبادله کالا در منطقه مرزی که فاصله آن از خط مرزی هر طرف بیش از ۱۵ کیلومتر نباشد، واگذار نموده و یا خواهد شد.

۸۸. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، روابط خارجی ایران در دوره پهلوی (تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۰)، ص ۵۸.

۸۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۸۲۹۹، شناسه بازرگانی ۱۳۱/۱/۸۲۸۹، ص ۵۷.

۹۰. همان، ص ۸.

۹۱. همان، ص ۲۱.

ماده هشتم: بازرگانان و اربابان صنایع و اشخاص طبیعی و یا اشخاص حقوقی ایرانی که مطابق قوانین ایران تشکیل شده باشد موقعی که عملیات اقتصادی خود را در خاک شوروی انجام می‌دهند در شرایطی که قوانین شوروی انجام این عملیات را مجاز داشته است نسبت به اشخاص و اموال خود از همان رژیم مساعدی که در حق اشخاص حقوقی و اتباع دولت کامله‌الوداد مجری می‌شود، بهره‌مند خواهند بود.

ماده دهم: با در نظر گرفتن منافع بازرگانی ایران و به موافقت ماده ۲۰ عهدنامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ ایران و اتحاد شوروی سوسیالیستی روسیه و برای تصریح مدلول آن، ۱- اتحاد شوروی اجازه ترانزیت آزاد را از خاک خود برای محصولات طبیعی و صنعتی ایران به مقصد هر کشور ثالثی می‌دهد. ۲- اتحاد شوروی به شرکت‌های بازرگانی و بازرگانان ایرانی حق صدور آزاد را به هر مقصدی که باشد برای محصولات طبیعی و صنعتی که از خاک ایران به خاک او وارد گردیده و در آنجا به فروش نرسیده اعطا می‌کند. هرگاه معلوم شد محصولاتی که شرکت‌های بازرگانی و بازرگانان نامبرده صادر می‌کنند، همان است که وارد کرده‌اند، حقوق گمرکی که در موقع وارد کردن محصولات پرداخته‌اند در حین خروج از خاک گمرکی اتحاد شوروی به شرکت‌های بازرگانی و بازرگانان ایرانی مسترد خواهد گردید. همین حقوق نیز از طرف دولت ایران به بنگاه‌ها و ادارات اتحاد شوروی که تجارت دارند اعطا خواهد شد. ۳- اتحاد شوروی اجازه ترانزیت آزاد را از خاک خود به ایران برای محصولات طبیعی یا صنعتی مذکور در ذیل که مبدأ آن محصولات کشورهایی باشد که با اتحاد شوروی عهدنامه یا مقاله‌نامه و یا قرارداد بازرگانی داشته باشد می‌دهد. الف) ماشین‌آلات و ابزار و مصالح برای کارخانجات همچنین برای بنگاه‌های کشاورزی، ماشین‌آلات و ابزار و مصالح برای ساختمان و نگاهداری خانه‌ها و بناها، ماشین‌آلات و ابزار و ملزومات و مصالح برای تأسیس راه‌ها و وسائط نقلیه از هر قبیل و استفاده از آنها برای احتیاجات بنگاه‌های عام‌المنفعه؛ ب) دوا از قبیل آلات جراحی و اعضای مصنوعی بدن انسان؛ ج) کاغذ مطبوعات؛ د) تخم نوغان، ه) چای؛ و: آلات و ادوات روشنایی، دوچرخه، موتور سیکلت، اتومبیل، کامیون، متفرعات و قطعات مجزای آنها. ۴- نسبت به سفارشات دولت ایران که برای بازرگانی نباشد به استثنای اسلحه و مهمات جنگی، حق اجازه ترانزیت آزاد کالا از اتحاد جماهیر شوروی داده خواهد شد. ۵- بدیهی است مقررات این ماده به هیچ وجه به ترانزیت امانات پستی از خاک اتحاد شوروی به ایران که به موجب قرارداد مخصوص مورخ دوم اوت ۱۹۲۹ تنظیم گردیده و قرارداد نامبرده طبق مقررات خود به اعتبار باقی است، لطمه وارد نمی‌کنند. ۶- ایران، ترانزیت آزاد را از خاک خود به اتحاد شوروی برای محصولات طبیعی و

صنعتی کسورهایی که با ایران عهدنامه یا مقاوله‌نامه یا قرارداد بازرگانی دارند به استثنای اسلحه و مهمات جنگی می‌دهد. ۷- مقرر است که در مورد اجرای شرایط ترانزیت که در فوق پیش‌بینی شده است هر یک از طرفین متعاهدین رژیم دولت کامله‌الوداد را به طرف متعاهد دیگر اعطا خواهد کرد. ماده یازدهم: طرفین متعاهدین موافقت می‌نمایند که رژیم کامله‌الوداد را در حمل مسافر، باگاژ، کالا و سایر بار و بنه به وسیله راه‌آهن و به‌طور عموم از راه خشکی و آب و هوا متقابل به یگدیگر اعطا نمایند.

ماده دوازده: با کشتی‌هایی که زیر پرچم یکی از طرف‌های متعاهدین در دریای خزر سیر می‌نماید، در بندرهای طرف متعاهد دیگر چه در حین ورود و چه در مدت توقف و چه در موقع خروج، از هر حیث مثل کشتی‌های کشورهای رفتار می‌شود. کشتی‌های مزبوره عوارض بندری دیگر نخواهند پرداخت جز آنچه قانوناً برای کشتی‌های کشورهای وضع گردیده آنهم به همان شرایط و با همان معافیت‌ها.

ماده سیزده: طرفین متعاهدین، بر طبق اصولی که در عهدنامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری شوروی روسیه اعلام گردیده است، موافقت دارند در تمام دریای خزر کشتی‌هایی جز کشتی‌های متعلق به ایران و اتحاد شوروی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا با پرچم اتحاد شوروی سیر می‌نماید، نمی‌تواند وجود داشته باشد.

ماده چهاردهم: تصدیق‌نامه‌های ظرفیت کشتی که از طرف مقامات صالحه طرفین متعاهدین به کشتی‌های ایران و اتحاد شوروی در دریای خزر سیر می‌نمایند، داده می‌شود، در بنادر دولتی متقابل رسمیت خواهد داشت.

ماده پانزده: طرفین متعاهدین موافقت می‌نمایند راجع به اقدامات بهداری که می‌بایست نسبت به کشتی‌های هریک از طرفین در بنادر طرف دیگر در دریای به‌عمل آید مقررات قرارداد صحی بین‌المللی را که در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۲۶ در پاریس امضا شده، با رعایت قیودی که هریک از طرفین متعاهدین در موقع امضا آن قرارداد نموده‌اند، مجری گردند.^{۹۲}

پس از انعقاد این قرارداد، مکاتباتی میان مظفر اعلم، وزیر امور خارجه ایران، و ماتوی فیلیمونو، سفیر کبیر شوروی، در تهران، به‌عنوان نمایندگان امضاکننده قرارداد از جانب دو کشور به‌منظور اجرایی‌شدن مفاد قرارداد، مبادله شد. نخستین نامه از جانب فیلیمونو به اعلم ارسال شد. در این نامه

بر عدم معافیت اتباع کشورهای ثالث مشغول خدمت در بنادر و کشتی‌های دو کشور خارج از محل خدمت خود از معافیت‌هایی که اتباع دو کشور بر اساس قرارداد برخوردار می‌شدند، اشاره شد. مکاتبه دوم از جانب اعلم به فیلمونو صورت گرفت. در این نامه براساس ماده هشتم قرارداد، به سفیر شوروی اعلام شد که بنگاه‌های بازرگانی شوروی می‌توانند نمایندگانی از میان کارمندان خود برای دفاع از حقوق خود در محاکم ایران داشته باشند.^{۹۳} مکاتبه سوم هم از جانب اعلم به فیلمونو ارسال شد و در آن عنوان شد در صورت پذیرش شوروی، دو کشور اقدام‌هایی مشترک در جهت حمایت از علائم بازرگانی یکدیگر انجام دهند.^{۹۴} مکاتبه چهارم هم از جانب فیلمونو به اعلم ارسال شد و در آن خواسته شده بود تا با توجه به انعقاد قرارداد، مسائل مربوط به شرایط حمل و نقل و ترازیت کالا از خاک دو کشور و همچنین مسائل مربوط به تسویه حساب بین راه‌آهن‌های شوروی و ایران تنظیم شود و در ظرف مدت کمتر از سه ماه، کنفراسی در همین زمینه در مسکو برگزار گردد.^{۹۵}

بدین ترتیب ایران با انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی سال ۱۳۱۹ خود با شوروی گام خود را در جهت تداوم روابط خود با آلمان برداشت. انعقاد این قرارداد اگرچه شرایط را به صورت قانونی برای تداوم روابط تجاری با آلمان فراهم کرد، اما تحقق عملی این قرارداد با موانع جدی مخصوصاً پس از حمله آلمان به روسیه مواجه شد. بدین ترتیب با انعقاد این قرارداد اگرچه اهداف ایران از انعقاد قرارداد به دست آمد، اما دستاوردهای آن در پی حمله آلمان به شوروی و همچنین حمله شوروی به ایران به هیچ وجه محقق نگردید. دستاوردهای ایران از این قرارداد، خود مسئله‌ای است که باید در مقاله‌ای دیگر بررسی شود.

۶- نتیجه گیری

قرارداد بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ایران و شوروی در شرایطی منعقد شد که شوروی طرف اول مبادلات تجاری با ایران در زمان انعقاد این قرارداد نبود. در آستانه انعقاد این قرارداد آلمان طرف اول مناسبات تجاری با ایران بود. آلمان از آبان ۱۳۱۴ پس از انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری و پروتکل محرمانه مبادلات تجاری، به طرف اول مناسبات تجاری با ایران از طریق انجام دادن مبادلات پایاپای تبدیل شد. ایران در این مبادلات در ازای واردات ماشین‌آلات صنعتی از آلمان، مواد

۹۳. قوه قضاییه روزنامه رسمی کشور. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی. ج ۲ (تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸). ص ۱۶۷۱.

۹۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۱۵، پرونده ۷، ص ۲۱.

۹۵. همان، ص ۲۲.

اولیه کشاورزی، دامی و معدنی را به این کشور صادر می‌کرد. این شکل از مبادلات پایاپای، ایران را تا حدود زیادی از مبادله تجاری با سایر کشورها بی‌نیاز می‌کرد. در سایه این احساس بی‌نیازی بود که ایران پس از پایان مدت زمان سه ساله عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی ۱۳۱۴ با شوروی، در مهر ۱۳۱۷ از تمدید این عهدنامه امتناع کرد. پیشنهاد تمدید عهدنامه از سوی شوروی و مذاکرات صورت گرفته در این راستا با توجه به بی‌نیازی ایران به تحکیم مبادلات و مناسبات تجاری با شوروی به واسطه منافع و الزام ایران برای تعمیق روابط با آلمان نازی، تا هجده ماه بی‌نتیجه ماند. پس از طی این مدت زمان بود که ایران در فروردین ۱۳۱۹ عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی سال ۱۳۱۴ را با نام جدید قرارداد بازرگانی و بحریمایی ایران و شوروی امضا کرد.

مطالعه تاریخ روابط اقتصادی و مناسبات تجاری ایران و شوروی در آستانه امضا این قرارداد، نشان می‌دهد که این قرارداد دست‌کم از جانب ایران، به خاطر نیازهای اقتصادی و تجاری مستقیم و متقابل با شوروی منعقد نگردید. هدف از انعقاد این قرارداد استفاده ترانزیتی از خاک شوروی برای تداوم مبادلات تجاری با آلمان بود. در واقع، به‌وجود آمدن چنین نیازی ایران را به انعقاد این قرارداد با شوروی متمایل کرد. ضرورت و الزام استفاده ترانزیتی از خاک شوروی برای تداوم مبادلات تجاری با آلمان از شهریور ۱۳۱۸ و در نتیجه آغاز جنگ جهانی دوم ایجاد شده بود.

جنگ جهانی دوم که با محاصره دریایی آلمان توسط نیروهای متفقین آغاز شده بود، کندی و اختلال در مناسبات و مبادلات تجاری پایاپای ایران با آلمان را به‌همراه داشت. در چنین شرایطی حمل کالاهای وارداتی از آلمان مخصوصاً ماشین‌آلات صنعتی سفارش داده‌شده از این کشور برای اجرای سیاست صنعتی‌سازی، و صادرات کالاهای ایرانی به آلمان از طریق دریا با مشکل مواجه شد. امتناع شرکت‌های صادرکننده کالا به ایران، از تحویل کالاها در بنادر ایران در شرایط جنگی، پناهنده‌شدن کشتی‌های حامل کالا به ایران به کشورهای بی‌طرف و مصادره کشتی‌های حامل کالا از ایران به آلمان و بالعکس، از جمله مشکلاتی بود که در نتیجه محاصره دریایی آلمان توسط متفقین ایجاد شد.

در این میان ایران اگرچه سعی کرد تا با اتخاذ راهکارهایی مانند اعزام هیئت نظامی به برن برای پیگیری سفارش‌های ایران، تأسیس کنسولگری در تریست با هدف استفاده از این بندر جهت حمل کالاهای خریداری‌شده از آلمانی و تلاش برای به‌کارگیری کمپانی‌های کشتیرانی کشورهای بی‌طرف برای حمل و نقل و مبادله کالا میان دو کشور در صدد رفع مشکلات و اختلال‌های ایجادشده‌اشی از محاصره دریایی آلمان برآید، اما ناکامی این سیاست‌ها و تشدید محاصره دریایی

آلمان و خسارت‌های ناشی از آن موجب شد تا ایران و آلمان به صورت مشترک به دنبال یافتن راه‌حل‌های برای رفع این مشکل برآیند.

در چنین شرایطی رجال سیاسی و اقتصادی کشور تصمیم به یافتن راه‌های زمینی مناسب برای تداوم مبادلات تجاری با آلمان گرفتند. در راستای تحقق این مهم بود که راه زمینی شوروی به دلیل برخورداری از زیر ساخت‌های مناسب از جمله بنادر، راه‌های شوسه و راه‌آهن، مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه چنین تصمیمی، دولت ایران به آلمان‌ها پیشنهاد داد تا دو کشور دیپلماسی خود را جهت جلب رضایت حکومت شوروی برای فراهم‌آوردن تسهیلات ترانزیتی میان ایران و آلمان به کار گیرند. با پذیرش پیشنهاد ایران از جانب آلمان، سفیر این کشور در مسکو مأموریت یافت تا با سفیر ایران در مسکو پیشنهادهای ایران را به مقامات روسی ارائه دهد. تحت تأثیر چنین شرایطی زمینه‌های لازم برای برگزاری مذاکرات اقتصادی جدید میان ایران و شوروی فراهم آمد. نتیجه این مذاکرات در ۵ فروردین ۱۳۱۹ به انعقاد قرارداد بازرگانی و بحریمایی ایران و شوروی منجر شد.

کتابنامه

- اشرف، احمد. موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران. چ ۱. تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹.
- الهی، همایون. اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم. چ ۱. تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۱.
- بولارد، سریدر و سرکلارمونت اسکراین. شترها باید بروند. ترجمه حسین ابوترابیان، چ ۲. تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
- پیرا، فاطمه. روابط سیاسی - اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی. چ ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- پیرن، ژاک. جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر. چ ۲. ترجمه رضا مشایخی. چ ۲. تهران: کتابخانه ابن سینا، بی‌تا.
- ترابی فارسانی، سهیلا. از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران. چ ۱. تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
- توشار، پاتریس و دیگران. قرن زیاده‌روی‌ها. ترجمه عباس صفریان. چ ۱. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- داب، موریس. مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری. ترجمه حبیب الله تیموری. چ ۱. تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
- روزنامه حبل‌المتین. سال ۳۵. ۱۲ شعبان ۱۳۴۵. ش ۹.
- روزنامه حبل‌المتین. سال ۳۵. ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۵. شماره ۱۵-۱۴.
- روزنامه حبل‌المتین. سال ۳۵. ۲۴ رمضان سال ۱۳۴۵. شماره ۲۲-۲۱.
- زاهدی، علی. صنایع ایران بعد از جنگ. تهران: بی‌نا، ۱۳۳۳.
- زاهدی، علی. لزوم پروگرام صنعتی. تهران: بی‌نا، ۱۳۴۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۹۸/۲۹۳/۷۳۸۳. بدون شناسه بازایی.

- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۱۰/۸۸۶. بدون شناسه بازیابی.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۲۷۹۷. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۲۷۹۷.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۲۸۶۲. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۲۸۶۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۳۹۴۹. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۳۹۴۹.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۸۲۹۹. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۸۲۹۹.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۹۰۳۹. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۰۳۹.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۹۶۵۹. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۶۴۸.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۱۶۹۸۷. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۶۸۴۶.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۷۵۰۲۰. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۷۵۰۲۰.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰/۹۴۸۵۰. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۴۸۵۰.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۹۳۵۴۹۴. شناسه بازیابی ۱۲/۱/۸۳۱۴۰.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۰۰۷۵۹. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۰۰۸۶۰۲. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۱.
- سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۴۰۰۰۰۱۴۳۶. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۸.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۰۱۲۰۲۲. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۳.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۲۰۲۳. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۴.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۳۴۱۶. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۳۹۹۵. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۳.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۳۹۹۶. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۴۷۱۸. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۱۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۵۵۸۰. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۴.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۹۱۸۳. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۱۹۷۵۲. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۴.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۲۰۸۸۷. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۲۱۸۴۹. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۲۲۱۴۸. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۹.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۲۴۹۲۳. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۳.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۳۷۰۵۸. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. شناسه سند ۲۴۰۰۳۷۸۴۶. محل در آرشیو ۱۲۵۳۳۰۲.
- طاهر احمدی، محمود. *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*. تهران: وزارت امور خارجه. ۱۳۸۴.
- عیسوی، چالز، *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹.
- کسلز، آلن. *ایتالیایی فاشیست*. ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی. تهران: انتشارات معین. ۱۳۶۹.

کلاف، شپرد. توماس مودی و کارل مودی. *تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم*. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: نشر گستره. ۱۳۶۸.

کنز، پیتر. *تاریخ اتحاد شوروی*. ترجمه علی مهدیان. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۱.
قاضیها، فاطمه، *اسنادی از روند اجرایی معاهده ترکمانچای ۱۲۵۰-۱۲۴۵ ق*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. ۱۳۷۴.

قوه قضاییه روزنامه رسمی کشور. *مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی*. ج ۲. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۸.

گرنویل، جان. *تاریخ جهان در قرن بیستم*. ترجمه جمشید شیرازی و دیگران، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز. ۱۳۷۷.

مجله *اطلاق تجارت*، سال هفتم، شماره ۱۴۰، پانزده دوم مرداد ۱۳۱۵.

مجله *اطلاق تجارت*، سال هشتم، شماره ۱۴۷، پانزده اول آذر ۱۳۱۵.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸، کارتن ۵۲، پرونده ۱۳۱.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۱۵، پرونده ۷.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۴۷، پرونده شماره ۲.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۵۲، پرونده ۶.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۵۳، پرونده ۱۷.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پرونده ۷.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پرونده ۱۸.

مسعود انصاری، عبدالحسین. *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان*. ج ۲. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱.

مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*. ج ۶. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۷۴.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. *روابط خارجی ایران در دوره پهلوی*. تهران: نشر پیکان. ۱۳۸۰.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی